مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۱/ زمستان ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۱۳۵-۱۵۹

:20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4

آمار و آرایش سپاهیان در نبرد عاشورا

عبدالرحیم قنوات[۱]

چکیده: پرسش اصلی مقاله این است که آیا می‌توان دربارهٔ واقعه عاشورا براساس تحلیل گزارش‌های تاریخی، به آماری درست یا نزدیک به آن درباره شمار نفرات و کشتگان دو لشکر و اسیران دست یافت؟ جز این، به آرایش جنگی سپاهیان نیز پرداخته شده است.

در این مقاله از شیوه تحلیل و تبیین گزارش‌های تاریخی استفاده شده تا جزئیات روشن‌تر شود و از مبالغات رایج فاصله گرفته شود.

حاصل این کار، رسیدن به آمارهایی معقول و پذیرفتنی‌تر است. برای نمونه، می‌توان به آمار سپاهیان کوفه اشاره کرد که تاکنون این‌چنین محاسبه نشده است. باید افزود بیشتر مطالبی که در آثار دیگران (پیشینه پژوهش) آمده، غیرمستقل و بخشی از یک اثر مفصل‌تر -از یک تا چندین جلد- است که دسترسی به آنها چندان هم آسان نیست، اما در این نوشتار داده‌ها و نظرات در قالب یک مقاله با عنوان و حجمی محدود عرضه شده است.

واژه‌های کلیدی: نبرد عاشورا، شمار سپاهیان، آرایش جنگی سپاهیان امام حسین(ع)، سپاه عمربن سعد

۱ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد ghanavat@um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۷/۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 51, Winter 2022
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 135-159

Number and Arrangement of Troops in the Battle of 'Āshūrā

Abdolrahim Ghanavat[1]

Abstract: The main question in this article concerns the possibility of obtaining accurate or close-to-reality information about the number of troops and casualties of the two armies as well as the captives in the event of 'Āshūrā based on the analysis of historical reports. In addition, the military arrangement of the troops is also discussed.

In this article, the historical reports are analyzed to clarify the details and avoid common exaggerations in reporting this event.

The outcome of this work would offer more reasonable and reliable numbers. For example, for the first time, some information is offered about the number of the Kūfa troops, which was largely absent in previous studies. It should be noted that the bulk of information reported in other works (in the literature), far from an independent piece of work, is part of a more detailed work – ranging from one to several volumes - which are not readily accessible. In this article, however, the data and commentaries have been gathered in a single article with a focused title and size.

Keywords: the Battle of 'Āshūrā, Number of Troops, Combat Formation of the Forces of Imām Ḥussayn (AS) Forces, the troops of 'Umar ibn Sa'd.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

1 Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad ghanavat@um.ac.ir
Received: 2021/09/13 Accepted: 2021/09/25

مقدمه

گزارش‌های واقعهٔ عاشورا در طول تاریخ اسلام به دلایل گوناگون و توسط دوستان و دشمنان امام حسین‌بن علی(ع) دستخوش تحریف و دگرگونی شده است. حکایت دشمنان حکایتی دیگر است، اما تحریف این تاریخ توسط ارادتمندان به امام حسین(ع) عمدتاً با هدف برانگیختن احساسات مذهبی شیعیان، ارائهٔ چهره‌ای هرچه مظلوم‌تر از وی و خانواده و همراهانش و افزودن بر جنبه‌های حماسی نبرد عاشورا صورت پذیرفته است. این تحریفات هنگامی که پا از دایرهٔ مکتوبات تاریخی و مقاتل بیرون نهاده و به گزارش‌های شفاهی این قیام سرایت کرده، به شکلی عجیب گسترش یافته و بسیاری از واقعیات این تاریخ را تحت الشّعاع خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که اصولاً در جامعه ما واقعه عاشورا به یک امر فراتاریخی تبدیل شده است؛ به همین دلیل همواره برخی از مورخان و عالمان محقق که دغدغهٔ ارائه گزارشی مقرون به واقعیت از تاریخ قیام امام حسین‌بن علی(ع) داشته‌اند، به نقد این تحریفات برخاسته و گزارش‌های خلاف واقع و به‌خصوص مبالغه‌آمیز دربارهٔ تاریخ عاشورا را مورد انتقاد قرار داده‌اند. این نوشته نیز به نقد و بررسی گزارش‌های مربوط به آمار و آرایش سپاهیان در نبرد عاشورا اختصاص دارد. در این مقاله به‌جز بررسی آمار و ارقام حادثهٔ عاشورا، روشن کردن جزئیات نظامی واقعه در قالب بررسی آرایش جنگی دو طرف –با هدف به دست آوردن نظری عینی به این حادثه– نیز مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه

می‌دانیم که پیش از این نیز شماری از نویسندگان قدیم و جدید در آثار خود به این موضوع –البته نه ضرورتاً با نگاهی انتقادی– پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان از محدث بزرگ شیعه، محدث نوری نام برد که در کتاب *لؤلؤ و مرجان* در بیان شروط لازم برای اهل منبر، به گستردگی تحریفات عاشورا را برشمرده و مورد نقد نقلی و عقلی قرار داده است. او در اواخر کتاب خود موضوع مبالغه در آمار و ارقام سپاهیان کوفه و کشته‌شدگان آنان را نیز بررسی کرده و آماری را که در روزگار وی اینجا و آنجا بر زبان‌ها جاری بوده، رد کرده است. استاد مرتضی مطهری نیز بر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

الگوی محدث نوری، در کتاب *حماسه حسینی* بـه نقـد عقلـی و نقلـی گسـترده‌ای از تحریفات عاشـورا دسـت زده و از جملـه بـه بررسـی آمـار و ارقـام مطـرح شـده و بزرگ‌نمایی‌هایی که در آنها صورت گرفته، پرداخته و آنها را نمونـه‌هـایی از دروغ بستن به ائمه(ع) به شمار آورده است.

گفتنی است دربارهٔ آمار و ارقام، مقـدم بـر ایـن بایـد بـه زیـارت‌نامـه‌ای از امـام مهدی(ع) منقول از شیخ ابوجعفر توسی اشاره کرد که به دو واسطه به امام دوازدهـم می‌رسد. این زیارت‌نامه که به «زیارة الشهداء» مشهور است، توسط علامـه مجلـسی در *بحـار الانـوار* (۱۳۵۸: ۲۶۹/۱۰۱-۲۷۴) بـه‌طـور کامـل آمـده اسـت. در ایـن زیارت‌نامه که متن عربی و ترجمه‌شدهٔ آنها در مجموعه‌ای با عنوان *حماسه عاشـورا به بیان حضرت مهدی* از جلال برنجیان نیز نقل شده، فهرستی از شهدای کربلا ارائـه شده که تنها نام او در آن مندرج است. جز ایـن مـی‌تـوان از کتـابی بـا عنـوان *مقتـل الحسین من امالی السیدین* نام برد. این کتاب مجموعه‌ای از امالی یحیی‌بـن الحـسین‌بـن اسماعیل‌بن زید موسوم به *تیسیر المطالب* و عبدالرحمن‌بن القاسم‌بـن الحـسین‌بـن زیـد موسوم به *الاثنینیه و الخمیسیه* هر دو از علمای زیدی‌مذهب سدهٔ پنجم قمـری اسـت که به دست نویسندهٔ معاصر عبـدالرزاق‌بـن محمدحـسین حرزالـدین فـراهم آمـده و شامل روایاتی دربارهٔ شمار یاران امام و فهرسـتی از شـهدای کربلاسـت کـه آن را از زیدبن علی‌بن الحسین نقل کرده است (حرزالدین، ۱۴۳۱: ۹۳-۱۰۴). محمـدبن طـاهر سماوی (متوفای ۱۳۷۰ق) نیز در کتاب مهم خود *ابصار العین فـی انـصار الحـسین* بـه انجام همین کار پرداخته و دربارهٔ شمار یاران امام حسین‌بن علی(ع) و شهیدان همراه وی، از کلی‌گویی پرهیز کرده و فهرستی مشخص از نام و نسب و شرح حـال وی بـه دست داده و همـین بـر اعتبـار کـار او افـزوده اسـت. در کتـاب *مقتـل امـام حـسین علیه السلام* اثر گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم آنجا که دربـاره شـهدای کـربلا سخن گفته شده، ابتدا نام و شرحی درباره برخی از مشهورترین شهدای کـربلا ارائـه شده و در ادامه برای معرفی همهٔ شهدای کربلا، متن کامل زیـارت‌نامـه امـام مهـدی نقل شده است. جز این به اختصار فرماندهان دو سپاه نیز معرفی شده‌اند. در *دانشنامه امام حسین علیه السلام* اثر محمدی ری‌شهری (۱۳۹۳: ۷۸/۶-۸۳) با عنوان «نظرة الی ساحة القتال» روایت‌هایی دربارهٔ آرایش دو سپاه در نبـرد عاشـورا آمـده و در ادامـه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

(همان، ۸۴–۸۷) روایاتی تاریخی و حدیثی درباره شمار دو سپاه ارائه شده و آماری ناپذیرفتنی از سپاهیان عمربن سعد در کربلا به دست داده شده است. در همین اثر (۲۸۱/۷–۲۹۱) فهرستی از شهدا با ذکر نام آنان آمده است. این فهرست همان‌گونه که نویسنده نیز اشاره کرده، خالی از روایت‌هایی ضعیف و غیرقابل اعتماد نیست. مهدی پیشوایی در *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا* به‌جز اشارات پراکنده، فصل چهارم از جلد دوم کتاب خود را به «واقعه عاشورا در آینه آمار و ارقام» اختصاص داده و در آن از جمله درباره «آمار اصحاب امام» در مراحل مختلف، «آمار لشکر عمر سعد» و شمار کشته‌های آن، «شمار شهدای سپاه امام حسین(ع)» و غیره سخن به میان آورده است. نکتهٔ جالب آنکه وی در اظهار نظری عینی در همان آغاز فصل و جاهای دیگر، تعیین دقیق این آمار را به علت شرایط ویژهٔ این حادثه، تفاوت گزارش‌های شاهدان عینی اولیه، نداشتن نظم و قاعده‌ای درست برای ثبت آماری این‌چنین در منابع تاریخی و تفاوت‌های موجود در گزارش مورخان، ناممکن دانسته و هیچ راهی برای اثبات درستی آنها متصور نبوده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۴۶۵/۲، ۴۷۰). همچنین برخی از ترجیحات او در این فصل فاقد روش و معیاری یکسان‌اند و چندان قابل اتکا به نظر نمی‌رسند. البته آنچه در این نوشتار مد نظر بوده، نه تعیین دقیق آمار و ارقام حادثهٔ عاشورا، بلکه برگزیدن آمارهایی نسبتاً معقول و نقد مبالغات صورت گرفته در این باره است. بر این اساس، آنچه این کار را از برخی کارهای دیگر در این باره متمایز کرده، نگاه نقادانه به مبالغات صورت گرفته است.

جز این باید اشاره کرد که در سایهٔ بررسی دقیق گزارش منابع، در برخی موارد، برخی از آمار به نحوی دقیق‌تر و پذیرفتنی‌تر مطرح شده است. برای مثال، آمار سپاهیان عمربن سعد که تاکنون کسی آن را به این صورت بررسی نکرده و به چنین آماری معقول و پذیرفتنی دست نیافته است. نکتهٔ دیگر این است که تقریباً تمام مطالبی که در آثار نام‌برده (پیشینه موضوع) آمده، غیرمستقل و بخشی از یک اثر مفصل‌تر –از یک جلد تا چندین جلد– است که دسترسی خواننده به آنها چندان هم آسان نیست، اما در این نوشتار داده‌ها و نظرات در قالب یک مقاله با عنوانی معین و حجمی محدود منتشر شده که دسترسی به آن برای خوانندگان آسان است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

۱. سپاه امام

۱ـ۱. شمار سپاهیان امام

بررسی حادثهٔ قیام امام حسین‌بن علی(ع) از هنگام خروج او از مکه تا روز عاشورا، نشان می‌دهد که تعداد همراهانش در مراحل مختلف دستخوش تغییراتی شده است. برخی از منابع تعداد کسانی را که همراه امام از مکه خارج شدند، ۸۲ تن دانسته‌اند (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۲۰/۱؛ ابن‌صباغ، [بی‌تا]: ۱۸۸). ابن‌عساکر بدون اینکه از تعداد کل همراهان امام سخن بگوید، آورده است: کوفیانی که از مکه همراه امام خارج شدند، شصت نفر بودند (ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۲۱۲/۱۴). در صورتی که تعداد شهدای بنی‌هاشم در کربلا را که معمولاً مورخان ۱۸ یا ۱۹ نفر ثبت کرده‌اند، در نظر بگیریم و فرض کنیم که این عده، از مکه همراه امام بوده‌اند، آمار ۷۸ یا ۷۹ نفر به دست می‌آید که به عدد پیشین بسیار نزدیک است.

شکی نیست که عدد همراهان امام در طول مسیر بیش و کم شده است. به راحتی می‌توان تصور کرد عده‌ای در روزهای بعد از مکه خارج شدند و خود را به اردوی امام رسانیدند. نیز این سخن پذیرفتنی است که در بین راه افراد دیگری با کاروان او همراه شدند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۱۱). به شهادت تاریخ، وقتی خبر حوادث کوفه و قتل مسلم‌بن عقیل و هانی‌بن عروه به امام رسید، او بیعت خود را از همراهانش برداشت و آنان را برای رفتن آزاد گذاشت و گروهی از همراهانش او را رها کردند و رفتند (همان). شاید این‌چنین بتوان برای گزارشی که در آن تعداد همراهان امام پانصد تن و تعداد کسانی که او را ترک کردند ۲۳۳ ثبت شده است (الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴)، وجهی یافت. احتمالاً آمار ششصد نفر که مسعودی برای همراهان امام مقارن ورود به کربلا ذکر کرده (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴۷/۴۵ که از مسعودی نقل کرده است) نیز باید متعلق به چند روزی پیش از رسیدن اردوی امام به این ناحیه باشد.

البته این پایان ماجرا نبود و به شهادت متون تاریخی، از آن پس نیز آمار همراهان امام تغییراتی پیدا کرد. در «عُذَیب الهِجانات»[1] چهار تن از شیعیان امام که خود را

۱ نقطه‌ای در چهار میلی قادسیه که از منازل کاروان‌های حج بود (ر.ک. به: یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۹۲/۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

از کوفه به آنجا رسانیده بودند، به اردوی وی ملحق شدند (طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۴/۵–۴۰۵). برخلاف مسعودی، برخی شمار همراهان امام را هنگام فرود آمدن در کربلا ۶۲ یا ۷۲ تن ثبت کرده‌اند (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۴۳/۲). از هنگام استقرار سپاهیان امام و عمربن سعد در کربلا تا صبح عاشورا نیز شماری از کسانی که دل با امام داشتند، ولی به‌ناچار با لشکر کوفه همراه شده بودند، وقتی مشاهده کردند وقوع جنگ قطعی است، فردی و گروهی از سپاه عمربن سعد جدا شدند و آشکار و پنهان به اردوی امام ملحق شدند. آمار این عده را سی تن ثبت کرده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۴/۸؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۳۱، ۱۸۷، ۱۹۴).

در نهایت، شمار کسانی که روز عاشورا در سپاه امام بودند و در کنار او جنگیدند نیز کاملاً روشن نیست و نویسندگان سده‌های مختلف این تعداد را به اختلاف از هفتاد تا ۱۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. نویسنده *ابصار العین* آورده است نویسندگان کتب سیره تعداد سپاهیان امام را هفتاد تن دانسته‌اند (سماوی، همان، ۱۶۴). مشهورترین آماری که در این باره در گذر سده‌های مختلف بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری شده، آمار ۷۲ تن است (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۱۳/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۶–۲۳۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸–۱۹۳؛ الطبرسی، [بی‌تا]: ۱۰۷؛ الحسینی الموسوی، ۱۴۱۸: ۳۲۸/۲؛ الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۳؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱؛ Jafri، ۱۹۷۶: ۱۸۹–۱۸۸) که با وجود شهرت فراگیرش، ترجیح آن بر سایر آماری که در مآخذ آمده، چندان آسان نیست. ۷۸ نفر هم یکی دیگر از آماری است که برای تعداد سپاهیان امام ذکر شده است (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۶۰؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۵۳). برخی دیگر تعداد سپاهیان امام را ۸۲ تن دانسته‌اند (ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۹۸/۲؛ الحسینی الموسوی، ۱۴۱۸: ۲۲۸/۲). البته همان‌گونه که پیشتر آورده‌ایم، بعضی این دو آمار را متعلق به تعداد همراهان امام هنگام خروج از مکه دانسته‌اند. ابن‌سعد، طبقات‌نویس مشهور سده‌های دوم و سوم قمری، تعداد همراهان امام –شامل ۵۰ سپاهی که همراه او بودند، ۲۰ تن که از سپاه عمربن سعد جدا شدند و به او پیوستند (قس: ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۴/۸؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۳۱، ۱۸۷، ۱۹۴) و نیز ۱۹ تن از خاندانش– را ۸۹ تن ثبت کرده است (ابن‌سعد، ۱۹۹۰: ۴۶۵/۵). برخی از منابع تعداد

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

لشکریان امام را حدود ۱۰۰ تن دانسته‌اند (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۸۴/۸؛ الطبرسی، [بی‌تا]: ۱۰۷). نویسنده کتاب *ابصار العین* آمار یاران امام را ۱۱۲ نفر ثبت کرده است (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۹) که البته همهٔ این عده جزو لشکریان نبوده‌اند. سخن این نویسنده از این نظر مهم و قابل توجه است که وی نام و شرح حال این افراد را به دست داده و همین بر اعتبار سخن او افزوده است. ۱۴۰ تن آمار دیگری است که برخی برای شمار اصحاب امام ثبت کرده‌اند (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴). همچنین عددی نزدیک به همین آمار یعنی ۱۴۵ نفر توسط شماری از نویسندگان سده‌های مختلف نقل شده است (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۴۲؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۹؛ ابن‌حجر عسقلانی، [بی‌تا]: ۳۳۴/۱). در برخی از گزارش‌های تاریخی تعداد یاران امام ۱۷۰ تن ثبت شده است (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷).

گفتنی است دربارهٔ تعداد یاران و لشکریان امام سخنانی خاص و تا حدی نامأنوس وجود دارد که با سایر اقوال بسیار متفاوت است. براساس آنچه تاکنون گفته شد تعداد سپاهیان امام حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۷۰ تن بوده است، اما براساس یکی از این اقوال تعداد یاران و لشکریان امام ۶۰۰ تن (مسعودی، ۱۴۰۹: ۷۱/۳؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱) و براساس گزارشی دیگر تعداد آنان ۱۱۰۰ تن بوده است (ابن‌قتیبه دینوری، [بی‌تا]: ۱۰/۲). در *دانشنامه امام حسین*(ع) با وجود آوردن نظر شیخ مفید مبنی بر ۷۲ تن بودن یاران امام در روز عاشورا، این روایت پذیرفته نشده و به آمارهایی بیش از این اشاره شده که در آنها شمار یاران امام حتی تا ۱۰۰۰ نفر بالا رفته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۸۴/۱، ۸۵).

به هر صورت با وجودی که داوری کردن و ترجیح یکی از این اقوال کار چندان آسانی نیست ولی می‌توان سخن نویسندهٔ کتاب *ابصار العین* را که به استقصاء اسامی و شرح حال یاران امام پرداخته و تنها به آوردن اعداد و ارقام بسنده نکرده است، بر سخن سایرین ترجیح داد و عدد یاران امام را حدود ۱۱۰ تن دانست. جالب اینکه مهدی پیشوایی درحالی‌که آماری بین ۶۵ تا ۱۴۵ نفر را مطرح کرده، در اظهار نظری شگفت درحالی‌که به دیگر آمارها –به‌خصوص آمار اسیران که خود ۱۷ تن ثبت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

کرده- اشاره کرده است، بر همان قول شایع گردن نهاده و شمار یاران امام را در کربلا ۷۲ تن دانسته است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۷۷، ۴۹۷-۴۹۸).

۱-۲. آرایش لشکر و فرماندهان سپاه امام

در جنگ‌های قدیم معمولاً لشکر به پنج بخش تقسیم می‌شد: ۱. مقدمة الجیش؛ ۲. قلب که محل استقرار فرمانده سپاه و فرماندهان ارشد بود؛ ۳. میمنه (جناح راست)؛ ۴. میسره (جناح چپ)؛ ۵. مؤخّره (ساقة الجیش). گاه به اقتضای شرایط، ممکن بود این تقسیم‌بندی به‌طور کامل اجرا نشود. معمولاً سه بخش میمنه و میسره و قلب تشکیل می‌شد، ولی تشکیل مقدمه و مؤخّره همیشگی نبود. به‌جز این، گاه اتفاق می‌افتاد تحت شرایط خاص جنگ، گروه‌ها و دسته‌هایی ویژه برای انجام مأموریت‌های خاص تشکیل می‌شد. برای سپاه، پرچمدار و گاه پرچمدارانی نیز در نظر گرفته می‌شد که معمولاً از بین شجاع‌ترین نیروها انتخاب می‌شدند.

در حادثهٔ کربلا امام حسین(ع) پیش از شروع جنگ در دو نوبت اقدام به تشکیل دو گروه ویژه کرد: بار اول وقتی بود که دسته‌ای پانصد نفری از سپاهیان کوفه به فرماندهی عمروبن حجّاج از روز هفتم محرم در کنار فرات مستقر و مانع از دسترسی اردوی امام به آب شدند. در این شرایط وقتی کمبود آب جدی شد، امام دسته‌ای پنجاه نفری، مرکب از سی سوار و بیست پیاده تشکیل داد و برادرش عباس‌بن علی را به فرماندهی آن منصوب کرد و به او مأموریت داد به گروه پانصد نفری عمروبن حجاج حمله کند. این دسته درحالی‌که بیست مشک همراه داشتند، با کوفیان روبه‌رو شدند و پس از درگیری که شدید هم گزارش شده، موفق شدند مأموریت خود را به انجام رسانند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۱/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۵؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۱۲/۵-۴۱۳؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۰۲/۳؛ اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۱۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۴/۱-۲۴۵). گویا مأموریت سواران جنگیدن با کوفیان و مشغول کردن آنها بود تا پیادگان بتوانند مشک‌ها را از آب پر کنند. مجلسی آورده است عباس‌بن علی(ع) را به دلیل انجام همین مأموریت «سقاء» لقب داده‌اند (مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۸۶/۴۴). بار دوم که امام گروهی ویژه تشکیل داد، شب عاشورا بود که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

برای انجام مأموریتی مشابه باز هم دسته‌ای پنجاه نفری، مرکب از سی سوار و بیست پیاده را برگزید و این بار فرزند خود علی‌اکبر را به فرماندهی آن منصوب کرد. این گروه نیز توانستند مشک‌های خود را از آب فرات پر کنند و به اردوی امام بیاورند (قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۶/۱).

روز عاشورا امام سپاه کوچک خود را به سه بخش میمنه و میسره و قلب تقسیم کرد. فرماندهی میمنه را به زهیربن قین سپرد و حبیب‌بن مُظاهر (مطهّر، مظهّر) را به فرماندهی میسره برگزید. پرچم سپاه را نیز به برادرش عباس‌بن علی سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶، طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵ ؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸-۱۹۳؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۶۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱). خود نیز در قلب سپاه جای گرفت (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۶۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱). نویسنده کتاب *منتهی الآمال* آورده است از سپاهیان امام بیست تن در میمنه و بیست تن در میسره جای گرفتند (همان). بنابراین اگر آنچنان که گذشت، عدد یاران امام را حدود ۱۱۰ تن در نظر بگیریم، عده کسانی که در قلب سپاه و در کنار امام مستقر شده بودند، می‌توان حدود هفتاد تن دانست.

۱-۳. شمار شهدای کربلا

درباره شمار شهدای کربلا میان مورخان اختلاف نظرهایی بروز کرده است. سخن مشهور این است که در کربلا جملگی یاران امام که ۷۲ تن بودند، به شهادت رسیدند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ مسکویه، ۱۳۶۶: ۷۳/۲؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۳۹/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۲۰۵/۸؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۴۹۹/۱). آنچه معمولاً درباره تعداد سرهای شهدا که به کوفه حمل شد، آورده شده نیز به نحوی به شهرت و شیوع این آمارکمک کرده است. شماری از متون تاریخی و مقاتل آورده‌اند که لشکریان عمربن سعد ۷۲ سر از شهدا را به کوفه حمل کرد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۴۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۳۹/۲؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۲۰۶/۸). با وجود این، پذیرش این آمار خالی از تسامح نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه مورخان در این باره آمارهای دیگری نیز نقل کرده‌اند، به نظر می‌رسد یکی گرفتن شمار

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

سرهای شهدا با آمار کل شهدا، به ترجیح این عدد منجر شده است؛ درحالی‌که آنچه مشهور است اینکه حداقل سر دو تن از شهدای کربلا (حربن یزید و عبداللّه‌بن حسین) جدا نشد و به کوفه حمل نگردید. جنازهٔ عبداللّه -که طفلی شیرخوار بود- پس از شهادت، توسط امام دفن شد و کسی متعرض جسد او نشد. به هنگام جدا کردن سر شهدا نیز بنی‌تمیم مانع از جدا کردن سر حر شدند (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۰). احتمالاً به همین دلیل است که برخی از منابع تعداد سرهایی را که به کوفه فرستاده شد، ۷۰ سر دانسته‌اند[۱] (طبری، ۱۹۷۱: ۴۶۸/۵ ؛ ابن‌صباغ، [بی‌تا]: ۱۹۸). به هر روی، هم تعداد شهدا و هم تعداد سرهایی که به کوفه حمل شد، کمتر و هم بیش از این نوشته‌اند. کمترین آماری که برای تعداد شهدا آمده، ۶۱ تن است (مسعودی، ۱۴۱۷: ۱۶۶). البته تعدادی از متون و مآخذ شمار شهدا را حدود هشتاد تن ثبت کرده‌اند. مجلسی تعداد سرهای شهدا را که به کوفه فرستاده شد، ۷۸ سر دانسته است (مجلسی، ۱۳۵۸: ۶۲/۴۵) که اگر دو شهیدی را که سرهایشان جدا نشد، به این تعداد اضافه کنیم و خود امام را هم به این آمار بیفزاییم، عدد ۸۱ تن برای شهدا به دست می‌آید و این همان عددی است که سبط‌بن الجوزی ثبت کرده است (ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). سماوی آمار شهدای کربلا را بیش از هشتاد تن ثبت کرده است (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۱) و آنچه شیخ عباس قمی در *منتهی الآمال* براساس زیارت‌نامه‌ای که سیدبن طاووس نقل کرده، آورده است، نزدیک به همین تعداد است و بر آن اساس آمار شهدای کربلا به ۸۲ تن می‌رسد (قمی، ۱۳۶۵: ۷۳۵/۱). مسعودی تعداد شهدای کربلا را ۸۷ تن دانسته است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳). براساس قولی دیگر از سبط‌بن الجوزی که در آن تعداد سرهایی که همراه با سر امام به کوفه فرستاده شدند، ۹۲ سر معین شده است (ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۳۱)، می‌توان تعداد شهدا را به همراه خود امام ۹۵ تن به شمار آورد. البته غریب‌ترین سخن در این باره از نویسنده کتاب *وسیلة الدارین* است که تعداد کسانی را که در روزعاشورا به شهادت رسیدند، ۲۲۱ تن ثبت کرده است (الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴).

---

۱ بلاذری تعداد سرها را ۶۹ سر ثبت کرده که احتمالاً با در نظر گرفتن این نکته که سر امام جدا از سرهای دیگر به کوفه فرستاده شده بود، سخن او نیز درست است (قس: بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۱۲/۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

۱-۴. تعداد اسیران از سپاه امام

این سخن مشهور که تمامی یاران امام حسین(ع) در کربلا به شهادت رسیدند، با گزارش‌های تاریخی منطبق نیست. آنچه واقعیت دارد، آن است که شماری از یاران امام به دست لشکریان عمربن سعد اسیر شدند؛ از آن جمله سواربن أبی‌عمیر، مرقع‌بن ثمامه اسدی، عمرو الجندعی (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۲، ۱۳۶-۱۳۵)، عقبة‌بن سمعان (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹)، حسن‌بن حسن‌بن علی مشهور به حسن مثنی و نیز زید و عمرو دو فرزند دیگر امام حسن(ع) (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵) و امام علی‌بن حسین(ع). با وجود این، براساس برخی گزارش‌ها، تعداد اسیران بیش از این بوده است. از امام سجاد(ع) روایت شده است که ما دوازده اسیر بودیم که بسته در زنجیر به کاخ یزید وارد شدیم (همان؛ قمی، ۱۳۶۵: ۷۹۱/۱). حال آنکه اگر در متن گزارش‌های مربوط به اسرا دقت بیشتری شود، به نظر می‌رسد تعداد کسانی که به دست سپاه کوفه اسیر شدند، از دوازده تن هم بیشتر بوده است؛ زیرا آورده‌اند شماری از این اسرا در نبرد روز عاشورا مجروح شدند (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۶، ۲۲۲) و برخی مدتی پس از این واقعه بر اثر این جراحات به شهادت رسیدند (همان) و بعید نیست آنان را به دلیل حال نامناسبشان به شام نفرستاده باشند. به این نکته نیز اشاره شده که عقبة‌بن سمعان را که غلام آزادشدهٔ رباب همسر امام حسین(ع) بود، پس از اسارت رها کردند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹). نویسنده *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا* آمار مردان اسیر را هفده تن ثبت کرده و از تک تک آنان نام برده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۹۷-۴۹۸). بر این اساس، گویا شمار اسیران سپاه امام از دوازده تن کمتر و از هفده تن بیشتر نبوده است.

۲ . سپاه عمربن سعد

۲-۱. شمار سپاهیان عمربن سعد

دربارهٔ شمار سپاهیان کوفه نیز میان نویسندگان سده‌های مختلف، اختلاف نظرهای فراوانی بروز کرده است. برخی تعداد سپاهیانی را که در کربلا علیه امام جنگیدند، شش‌هزار تن دانسته‌اند (ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۶؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱)، ولی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

گزارش‌های متفاوت دیگری نیز در دست است که آمار سپاهیان عمربن سعد را بیست‌هزار تن (ابن‌صباغ، [بی‌تا]: ۱۹۱؛ اربلی، [بی‌تا]: ۱۸۹/۲؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۸۵؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۵؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱-۳۰؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱)، ۲۲۰۰۰ تن (ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۳/ ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۲/۱، ۴/۲)، سی‌هزار تن (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۷ ؛ مجلسی، ۱۳۵۸: 298/۴۴)؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۵۷)،[1] ۳۵هزار تن (ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۹۸/۴) و هفتادهزار تن نوشته‌اند (مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۰۵/۴۴).

به نظر می‌رسد هر چه زمان گذشته، بر آمار سپاهیان عمربن سعد در متون و منابع مختلف افزوده شده است. شاید برخی از نویسندگان بدین‌وسیله کوشیده‌اند با قرار دادن عدد دو سپاه در برابر هم بر شدت مظلومیت امام حسین‌بن علی(ع) و همراهانش بیفزایند. تردیدی نیست که برخی از این آمار بسیار مبالغه‌آمیز و دور از واقعیت است.

از آنجایی که دربارهٔ آمار سپاهیان عمربن سعد نمی‌توان به صورتی دقیق و قطعی سخن گفت، تنها راهی که برای دست یافتن به عددی نزدیک به واقع وجود دارد، بررسی گزارش‌هایی است که مورخان درباره حوادث کوفه در این ایام و روند شکل‌گیری این سپاه به دست داده‌اند.

عبیداللّه‌بن زیاد که احساس می‌کرد برای مقابله با امام به سپاهی نسبتاً بزرگ نیاز دارد، کوفیان را برای این کار بسیج و سازماندهی کرد. تکیهٔ او به سپاهیان کوفی شاید به این دلیل بود که کوفیان را از پیوستن به سپاه امام بازدارد. تهیه و تدارک چنین سپاهی در وهلهٔ نخست مستلزم مرعوب کردن کوفیان و در مرحله بعد، واداشتن آنان به شرکت در این سپاه به رغم میل قلبی‌شان بود. به منظور مرعوب کردن مردم، وی همراه با قتل مسلم و هانی‌بن عروه، شماری از شیعیان را کشت و سرهای آنان را به شام فرستاد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۷۰/۸). به دنبال آن، بر مراقبت‌های نظامی افزود و در شهر و پیرامون آن نیروهایی گماشت تا اوضاع را کنترل کنند

۱ در این باره نکتهٔ جالب، نظر نویسندهٔ کتاب *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا* است. وی در این باره به حدیثی اشاره کرده که شیخ صدوق از امام سجاد و امام صادق(ع) روایت کرده و در آن شمار سپاهیان عمر سعد سی‌هزار نفر ذکر شده است. نکته این است که نویسنده با وجود اشاره به عدم توثیق برخی از روایان این روایت، تنها به این دلیل که شیخ صدوق به آن توجه نشان داده و او هم انگیزه‌ای برای تحریف آمار و ارقام نداشته، رقم سی‌هزار تن را ترجیح داده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۷۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

(بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۶۶/۳). سپس به تطمیع و تهدید مردم کوفه روی آورد و وعدهٔ افزایش حقوق و مقرری به آنان داد، به این شرط که در نبرد علیه امام شرکت کنند (همان، ۱۷۸/۳؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۹۹/۳). به دنبال آن، بزرگان کوفه را مأموریت داد تا در گوشه و کنار شهر به حرکت درآیند و ضمن تشویق مردم به شرکت در نبرد، آنان را از عواقب تمرد بیم دهند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۸/۳). عبیداللّه همچنین دستور داد هر کس در سپاه حاضر نشود، خونش ریخته شود و به همین دلیل فرد غریبی را که به طلب میراثش به کوفه آمده بود و ملتزم به شرکت در جنگ نبود، گردن زد تا دیگران به عاقبت کار خود بیندیشند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۴-۲۵۵). بلاذری آورده است به دنبال این اتفاق، در شهر کوفه مرد بالغی نماند مگر اینکه خود را به اردوگاه نخیله رساند تا به سپاه ابن‌زیاد ملحق شود. گزارش‌هایی که برخی افرادی که در همین ایام از کوفه خارج شده‌اند، در بین راه به امام داده‌اند نیز حکایت از گرد آمدن گروه کثیری از مردم در بیرون شهر کوفه برای شرکت در جنگ علیه امام داشت (همان، ۲۵۰-۲۵۱؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۶۲/۲؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۶/۵).

عبیداللّه در نخیله به سازماندهی سپاهیان پرداخت. آنچه مددکار امیر کوفه شد، لشکری به فرماندهی عمربن سعد بود که مقارن این حوادث با حکم امارت ری آماده شده بود تا برای سرکوب شورشی که در دَستَبی[1] رخ داده بود، عازم مناطق شمالی ایران شود (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۶/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۹/۵ ؛ ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۲۱۵/۱۴ ؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۸۳/۸، ۱۸۹). عموم مورخان بدون هیچ اختلاف نظری شمار این لشکر را چهارهزار تن نوشته‌اند (علاوه بر منابع پیشین ر.ک. به: مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۶۴/۲؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۹۶/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۲۷ ؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۰/۱ ؛ مقدسی، [بی‌تا]: ۱۰/۶؛ طبرسی، ۱۳۳۸، ۱۳۱؛ ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۹۵/۴؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۲؛ سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۰۷). این لشکر هستهٔ اولیه سپاه کوفه را تشکیل داد. براساس گزارش های تاریخی، دسته‌هایی دیگر نیز به فرماندهی بزرگان کوفه تشکیل و اعزام شدند. یکی از اولین دسته‌ها، دستهٔ چهارهزار نفری

۱ ناحیهٔ وسیعی میان ری و همدان بوده است (ر.ک. به: یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۵۴/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

حُصَین‌بن نُمیر بود که مأموریت داشت در قادسیه مستقر شود و مراقبت کند تا کسی از کوفه به سوی حجاز حرکت نکند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۳؛ jafri ,1976: 185). به گفتهٔ بیشتر مورخان، دسته‌ای که به فرماندهی حربن یزید راه امام را بست، بخشی از سپاه حُصین‌بن نُمیر بود که هنگام گشت‌زنی با اردوی امام روبه‌رو شد (طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۱/۵ ؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۲۸/۱). عموم مورخان شمار سپاهیان حر را هزار تن دانسته‌اند (علاوه بر منابع پیشین ر.ک. به: دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۹ ؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۸۵/۳ ؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۲۴ ؛ مقدسی، [بی‌تا]: ۱۰/۶؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۱۴/۴۴). بنابراین می‌توان پذیرفت روز سوم محرم، با ورود دستهٔ چهارهزار نفری عمربن سعد به کربلا و ملحق شدن گروه او و همراهان حر به یکدیگر، آمار سپاهیان کوفی مستقر در کربلا به پنج‌هزار تن رسیده باشد.

به نظر می‌رسد از همین روزها سازماندهی و اعزام سپاهیان از کوفه به کربلا شتاب گرفت. مورخان تعداد نفرات و فرماندهان دسته‌هایی را که عبیداللّه سازماندهی کرد و به کربلا فرستاد این‌چنین ثبت‌کرده‌اند:

- دسته‌ای چهارهزار نفری به فرماندهی شمربن ذی‌الجوشن؛
- دسته‌ای دوهزار نفری به فرماندهی یزیدبن رکاب کلابی؛
- دسته‌ای سه‌هزار نفری به فرماندهی مضایربن رهینة المازنی؛
- دسته‌ای دوهزار نفری به فرماندهی نصربن حرشه؛
- دسته‌ای هزار نفری به فرماندهی شبث‌بن ربعی؛
- دسته‌ای هزار نفری به فرماندهی حجاربن اَبجر؛
- دسته‌ای حدوداً هزار نفری به فرماندهی یزیدبن رویم (ر.ک. به: بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۹/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۱۵۴؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۹۹/۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۲/۱ ؛ ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۹۸/۴ ؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۱۵/۴۴، ۳۸۶).

اگر این آمار و ارقام را بپذیریم و در صحت آنها -همانند بسیاری از آمار و ارقام مربوط به حوادث تاریخی- تردید نکنیم، حاصل جمع نفرات این دسته‌ها به ۲۲۰۰۰ می‌رسد، ولی دربارهٔ این آمار باید به دو نکته توجه داشت. نخست اینکه گزارشی از اعزام مستقل سه‌هزار نفر اعضای دستهٔ حصین‌بن نمیر از نخیله به کربلا در دست نداریم. اگرچه حضور خود حصین در کربلا می‌تواند به این گمان کمک کند که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

نفرات او هم به سپاه عمر سعد پیوسته باشند، ولی به نظر می‌رسد این عده اگر هم به کربلا اعزام شده باشند، باید با سازماندهی جدید و جزء گروه‌های تازه تشکیل شده به این مأموریت رفته باشند. نکتهٔ مهم دیگر، توجه به گزارش‌های تاریخی جالبی است که بیانگر آن‌اند که تمامی این جمعیت به کربلا نرفته و در سپاه عمربن سعد حاضر نشده‌اند. در این گزارش‌ها تصریح شده است از گروه‌هایی که عبیداللّه به کربلا فرستاد، شمار فراوانی به دلیل خوش نداشتن نبرد علیه امام، از بین راه گریختند و از رفتن به کربلا خودداری کردند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۴). بلاذری در گزارشی دقیق‌تر آورده است از هر هزار نفر سپاهی حداکثر سیصد تا چهارصد تن باقی می‌ماندند و سایرین سپاه را ترک می‌کردند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۹/۳) و گویا به دلیل کثرت این افراد، فرماندهان این‌دسته‌ها نیز قادر به جلوگیری از آنان نبوده‌اند.

حال با قطعی گرفتن حضور پنج‌هزار تن کوفی از روز سوم محرم در کربلا و به حساب نیاوردن دسته سه‌هزار نفری حصین‌بن نمیر، می‌توان نتیجه گرفت که عبیداللّه در روزهای پیش از عاشورا حدود چهارده‌هزار سپاهی را از نخیله به کربلا فرستاده و اگر از هر هزار تن -آن‌گونه که بلاذری آورده- حداکثر چهارصد تن به کربلا رفته باشند، تعداد کسانی که از روز چهارم محرم به بعد وارد کربلا شده‌اند، حدود ۵۵۰۰ تن بوده است که همراه با پنج‌هزار نفری که در کربلا مستقر بودند، سپاهی تقریباً یازده‌هزار نفری را تشکیل می‌داده‌اند و روز عاشورا نیز سپاه عمربن سعد از همین تعداد سرباز تشکیل شده بود.

۲ـ۲. آرایش لشکر و فرماندهان سپاه عمربن سعد

تا پیش از روز عاشورا سپاه عمربن سعد آرایش کامل خود را به دست نیاورده بود؛ زیرا علاوه بر اینکه آمار آن مرتب در حال تغییر بود، هنوز وقوع جنگ قطعی نبود، ولی با گذشت روزها و ناممکن شدن مصالحه، اندک اندک دسته‌های سپاه شکل گرفت. یکی از اولین فرماندهانی که از طرف عبیداللّه‌بن زیاد منصوب شد، شمربن ذی‌الجوشن بود که مأموریت داشت در صورت امتناع عمربن سعد از جنگ، خود فرماندهی سپاه را به دست گیرد، اما عمر با پذیرفتن اقدام به جنگ، شمر را به فرماندهی پیادگان لشکر منصوب کرد (همان، ۱۸۳/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۰؛ طبرسی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

۱۳۳۸: ۲۳۳) و این در روز هفتم محرم بود. از همین روز عمربن سعد یک گروه ویژه پانصد نفری تشکیل داد که مأموریت آن حائل شدن بین اردوی امام و رودخانه فرات بود. فرمانده این گروه عمرو بن حجّاج زبیدی بود (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۱/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۱۲/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۳/ ۱۰۲؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۲؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۴/۱ ؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۸۹/۴۴؛ ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۵۸/۴). عمربن سعد پیش از روز عاشورا، گروهی دیگر را نیز با مأموریتی مشخص ترتیب داد و آن وقتی بود که حبیب‌بن مظاهر با کسب اجازه از امام حسین (ع) به میان قبیلهٔ بنی‌اسد که در ساحل فرات ساکن بودند، رفت و آنان را به یاری امام ترغیب کرد. بنی‌اسد پذیرفتند و نود مرد جنگی آماده شدند تا شبانه به اردوی امام ملحق شوند. عمربن سعد که باخبر شد، دسته‌ای چهارصد نفری ترتیب داد و ازرق‌بن حرب صیداوی را به فرماندهی آن برگزید. این گروه همان شب به بنی‌اسد حمله کردند و آنان را که تاب مقاومت نداشتند، از ملحق شدن به سپاه امام بازداشتند (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۳/۱-۲۴۴؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۰۱/۳).[۱] عمربن سعد یک گروه سواره نیز تشکیل داد و عزرةبن قیس احمسی را به فرماندهی آن برگزید. به نظر می‌رسد این گروه در حقیقت نگهبانان سپاه عمر بودند که اردوی امام را نیز تحت نظر داشتند. ابن‌کثیر آورده است همین گروه شب عاشورا به اردوی امام نزدیک شدند و آنان را تحت نظر قرار دادند (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸).

برای نبرد روز عاشورا عمربن سعد سپاه خود را با ترتیبی خاص آراست. او برای سپاه خود بخش‌های میمنه، میسره و قلب تعبیه کرد. فرماندهی میمنه را به عمروبن حجّاج سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۵/ ۴۲۲، ۴۳۰؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۶؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۰۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/ ۶۳۹) که پیشتر مأمور شده بود مانع از دسترسی اردوی امام به شریعهٔ فرات شود. شمربن ذی‌الجوشن را نیز به فرماندهی میسره برگزید (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۵/ ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۳۵-۴۳۶؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۶؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛

۱ ابن‌اعثم شمار این گروه را چهارهزار تن دانسته که صحیح نیست و گویا یک اشتباه نگارشی است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۰۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۹/۱) و خود در قلب سپاه جای گرفت (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۸/۲؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۸/۴۵). گروه سواره‌ای که عمربن سعد پیش از عاشورا تشکیل داده بود و عزرةبن قیس را به فرماندهی آن برگزید، در این روز نیز آرایش خود را حفظ کرد و در میدان نبرد حضور یافت (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۳/۵؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۷؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷، ۲۴۱؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵ –دو منبع اخیر «عروه» نوشته‌اند–؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۹/۱). گروه پیادگان نیز در سپاه تشکیل شد که فرماندهی آن به شبث‌بن ربعی ریاحی داده شد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۹/۱؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷). علاوه بر این، براساس گزارش‌های تاریخی، در سپاه عمربن سعد گروه تیراندازانی نیز تشکیل شد که شمار آنان به پانصد تن می‌رسید و دسته‌ای از آنان بر اسبانی جوشن‌پوش سوار بودند. فرماندهی این دسته را حُصین‌بن نُمیر تمیمی برعهده داشت (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۹۴/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۸؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۳۴/۵، ۴۳۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۱۶/۲؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۶۷/۱؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۲۰/۴۵). ابن‌سعد پرچم سپاه خود را نیز به غلام آزادشده‌اش «درید» سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳–۱۹۰؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۸/۲؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵). دینوری نام پرچمدار سپاه عمربن سعد را زید ثبت کرده (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶) و طبری نام وی را ذوید آورده است (طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵) که به نظر می‌رسد این تفاوت ناشی از اشتباه نسخه‌نویسان باشد و این هر سه نام یک تن بوده است. البته گزارش ابن‌کثیر متفاوت است؛ چون وی نام غلام آزادشدهٔ عمر و پرچمدار سپاه او را وردان ثبت کرده است (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۳/۸).

۲-۳. شمار کشتگان سپاه کوفه

اینکه واقعاً از سپاه عمربن سعد چند تن در کربلا کشته شدند، چندان روشن نیست، ولی اگر به آنچه مورخان سده‌های نخستین تاریخ اسلام در این باره گفته‌اند اعتماد

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

کنیم، در برخی منابع مشهور به عدد ۸۸ تن می‌رسیم (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۶/۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۳/۳). این رقم، رقمی قابل قبول و نزدیک به تعداد شهدای کربلاست. با وجود این، این آمار در منابع شیعی سده‌های بعد به گونه‌ای اغراق‌آمیز بالا رفته است. براساس گزارش این منابع، عدد کشتگان سپاه عمربن سعد به هزاران تن می‌رسد؛ زیرا امام و یارانش هر کدام ده‌ها، صدها و گاه حتی بیش از هزار تن را به قتل رسانده‌اند! (برای نمونه ر.ک. به: خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۷/۲، ۳۰، ۳۱؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴۵/ ۱۴، ۱۷، ۳۲–۳۶، ۴۱، ۴۳، ۴۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۷۲/۱، ۶۸۶، ۶۹۰–۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۱۸). نویسنده *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء* درحالیکه همین عدد ۸۸ تن را نقل کرده، براساس دلایلی احساسی مبنی بر اینکه یاران سید الشهدا مشتاق نبرد و جان‌نثاری بوده‌اند، به نقل آمار مبالغه‌آمیز برخی منابع پرداخته و به‌طور کلی شمار کشتگان سپاه عمربن سعد را بسیار بیش از این دانسته است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۴۷۹/۲–۴۸۱).

نتیجه‌گیری

مورخان و راویان حوادث تاریخی معمولاً دربارهٔ آمار و جزئیات دچار مبالغه‌گویی شده‌اند. حادثه مهم عاشورا نیز به همین صورت دچار تحریف و دگرگونی شده است. این تحریف هم در منابع مکتوب و هم در نقل قول‌های شفاهی شدت یافته و واقعیت ماجرا را تحت‌الشّعاع قرار داده است.

براساس بررسی و دقت در روایات تاریخی مربوطه و مقایسهٔ آنها با یکدیگر و نیز مقایسهٔ این گزارش‌ها با شرایط و واقعیت‌های عینی، می‌توان نتیجه گرفت که اعداد و ارقام درست نبرد عاشورا نسبتی با آمار مبالغه‌آمیزی که در این باره در برخی کتب آمده و بر سر زبان‌ها افتاده است، ندارد.

همراهان امام حسین‌بن علی(ع) در نبرد عاشورا حدود ۱۱۰ تن، شمار شهدا بین ۸۰ تا ۹۵ تن و تعداد اسرا بین ۱۲ تا ۱۷ تن بوده است. شمار سپاهیان عمربن سعد بین ده تا یازده‌هزار تن و تلفات این سپاه در روز عاشورا نیز حدود نود نفر بوده است. بر این اساس، آمار کشتگان دو طرف تفاوت چندانی نداشته است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

اینچنین روشن می‌شود که آمار گزاف و مبالغه‌آمیزی که در شماری از کتب و یا نقل قول‌های شفاهی مطرح شده، بهره‌ای از واقعیت نداشته و ساختهٔ ذهن کسانی است که نه از طریق متون معتبر تاریخی با تاریخ عاشورا آشنایی دارند و نه توانایی آن را دارند تا این قبیل سخنان را با شرایط و زمینه‌هایی که حادثهٔ کربلا در آن رخ داده، مقایسه کنند و نتیجه‌ای -تا حد امکان- درست به دست آورند و ارائه دهند. البته حساب کسانی که در سده‌های بعد با افزودن بر این آمار سعی در افزایش سختی نبرد عاشورا داشتند تا بدین‌وسیله بر شدت مظلومیت امام حسین‌بن علی(ع) و همراهانش تأکید کنند، در جای خود محفوظ است.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۹)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*، ج۱، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌اعثم، ابومحمد احمد (۱۹۸۶م)، *الفتوح*، ج۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی [بی‌تا] (افست از چاپ اول، ۱۳۲۸ق)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌سعد، ابوعبدالله محمد (۱۹۹۰م)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌شهرآشوب، ابوجعفر محمدبن علی[بی‌تا]، *مناقب آل أبی‌طالب*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، ج۲، ۴، قم: انتشارات علامه.
- ابن‌صباغ، علی‌بن محمد [بی‌تا]، *الفصول المهمّة فی معرفة الاحوال الائمة*، نجف: مکتبة دار الکتب التجاریه.
- ابن‌عساکر، ابوالقاسم علی‌بن حسن (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، ج۱۴، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله‌بن مسلم [بی‌تا]، *الامامة و السیاسة*، ج۲، تحقیق طه محمد الزینی، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- ابن‌کثیر، عمادالدین اسماعیل (۱۹۹۳)، *البدایة و النهایة*، ج۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌نما، نجم‌الدین جعفر (۱۳۱۸)، *مثیر الاحزان*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- اربلی، علی‌بن عیسی [بی‌تا]، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، تصحیح آقا سید ابراهیم میانجی، ج۲، [بی‌جا]: نشر ادب الحوزه.
- اصفهانی، ابوالفرج علی‌بن الحسین، [بی‌تا]، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

- برنجیان، جلال (۱۳۶۲)، *حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی(ع)*، تهران: طور.
- بلاذری، احمدبن یحیی‌بن جابر (۱۹۷۷)، *انساب الاشراف*، تحقیق الشیخ محمدباقر المحمودی، ج۳، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹)، *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا(ع)*، ج۲، قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حرزالدین، عبدالرزاق‌بن محمدحسین (۱۴۳۱ق)، *مقتل الحسین من امالی السیدین*، قم: دلیل ما.
- الحسینی الموسوی الحائری الکرکی، محمدبن ابوطالب (۱۴۱۸)، *تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم بمقتل الحسین علیه الاسلام*، تحقیق فارس حسون کریم، ج۲، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- خوارزمی، الموفق‌بن احمد (۱۹۴۸م)، *مقتل الحسین*، تحقیق محمد طاهر السماوی، ج۱، ۲، نجف: مطبعة الزهراء.
- دینوری، احمدبن داوود (۱۹۶۰م)، *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمد (۱۹۹۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج۵، بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن‌الجوزی، سبط (۱۳۷۶)، *تذکرة الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- سماوی، شیخ محمدبن طاهر (۱۳۷۷)، *ابصار العین فی انصار الحسین*، تحقیق شیخ محمدجعفر الطبسی، [بی‌جا]: مرکز الدراسات الاسلامیة لحرس الثورة.
- سیدبن طاووس (۱۳۶۴)، *اللهوف علی قتلی الطفوف*، تهران: انتشارات جهان.
- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن أبی‌بکر (۱۴۱۱)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، الشریف الرضی، قم: [بی‌نا].
- الطبرسی، فضل‌بن حسن [بی‌تا]، *تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم*، مندرج در مجموعه *نفیسة حاویة لرسائل شریفه*، زیر نظر سید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی، قم: مکتبة بصیرتی.
- طبرسی، امین الاسلام (۱۳۳۸)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، طهران: المکتبة العلمیة الاسلامیة.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۹۷۱م)، *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۵، قاهره: دارالمعارف.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۵)، *منتهی الآمال*، ج۱، قم: انتشارات هجرت.
- گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم (۱۳۸۵)، *مقتل امام حسین علیه السلام*، ترجمه جواد محدثی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۸)، *بحار الانوار*، ج۴۴، ۴۵، ۴۶، ۱۰۱، طهران: المطبعة الاسلامیة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

– محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳)، *دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، ج۱، ۶، قم: دار الحدیث.
– مسعودی، ابوالحسن علی‌بن الحسین (۱۴۱۷)، *اثبات الوصیة للامام علی بن أبی‌طالب*، قم: الصدر.
– ..... (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ج۳، قم: دار الهجرة.
– مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۶)، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، ج۲، طهران: دار سروش للطباعة و النشر.
– مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، *حماسه حسینی*، تهران: صدرا.
– مفید، محمدبن محمدبن نعمان [بی‌تا]، *الارشاد*، قم: مکتبة بصیرتی.
– مقدسی، مطهربن طاهر [بی‌تا] (افست از چاپ پاریس ۱۸۹۹م)، *البدء و التاریخ*، به اهتمام کلمان هوار، ج۶، بیروت: دار صادر.
– الموسوی الزنجانی، السید ابراهیم (۱۹۷۵)، *وسیلة الدارین فی انصار الحسین*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
– نوری، حسین‌بن محمدتقی [بی‌تا]، *لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر*، تهران: عابدی.
– یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج۲، ۴، بیروت: دارصادر.
- یعقوبی، احمدبن أبی‌یعقوب [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج۲، بیروت: دارصادر.

منابع لاتین

– Jafri, S. H. M (1976), *The Origins and Early Development of Shia Islam*, the group of muslims, Qum.

List of sources with English handwriting

– Al-Ḥosaynī al-Mūsawī al-Ḥā'eri al-karaki, Muḥammad b. Abū Ṭāleb (1997), *Tasliat al-majāles wa zinat al-majāles al-Mūsūm be-Maqtal al-Ḥosayn(A.S.)*, ed. Fāris Ḥasūn Karim, vol. 2, Qom: Mo'assesa-ye al-Ma'āref al-Eslāmiya.
– Al-Mūsawī al-Zanjānī, al-Sayyed Ebrāhīm (1975), *Wasila al-darin fī Anṣār al-Ḥosayn*, Beirut: Mo'assesa-ye al-a'alami lel-Maṭbū'āt.
– Al-Soyūṭī, Jalāl–al-Dīn 'Abd-al-Raḥmān b. Abi Bakr (1990), *Ta'riḵ al-Ḵolafā',* ed. Moḥammad Moḥyī-al-dīn 'Abd–al-Ḥamīd, al-Šarīf al-Raẓī, Qom: s.n.
– Al-Ṭabarsī, Faẓl b. Ḥasan (n.d.), *Tāǰ al-mawālīd fī mawālīd al-a'emma wa*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

wafīyātehem, mondaraj dar majmū'e-e nafisa ḥāwia le-rasā'el šarifa, ed. Sayyed Šahāb-al-Din al-Ḥosaynī al-Mar'aši, Qom: Maktaba Baṣīratī.
- Balāḏori, Aḥmad b. Yaḥyā b. jāber (1977), *Ansāb al-ašrāf*, ed. al-Šeyḵ Moḥammad Bāqer al-Mahmudī, Vols. 3, Beirut: Dār al-Ta'ārof lel-Maṭbū'āt.
- Berenjyān, Jalāl (1983), *Ḥemāsa 'āšūrā be bayān ḥażrat maḥdī (A.S.)*, Tehran, Ṭūr.
- Ḏahabī, Šams al-Din Moḥammad b. Aḥmad (1993), *ta'rīḵ al-eslām wa wafiāt al-mašāhīr wa'l-a'lām*, ed. 'Omar 'Abd-al-Salām Tadmori, Vol.5, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi.
- Dīnavarī, Aḥmad b. Dāwūd (1960), *Aḵbār al-ṭewāl*, ed. 'Abd-al-Mon'em 'Āmer, Cairo: Dār Eḥyā' al-Kotob al-'Arabīya.
- Ebn al-Jawzi, Sebṭ (1998), *Taẕkerat al-Ḵāṣṣ*, Qom: Manšurāt al-Šarīf al-Rażī.
- Ebn Qotayba Dīnavarī, 'Abd-Allāh b. Moslem (n.d.), *al-Emāma wa'l-sīāsa,* ed. Ṭāha Moḥammad al-Zīnī, vol. 2, Beirut: Dār Al- ma'refat le-ṭabā'a wa al-Našr.
- Ebn al-Aṯīr, 'Ezz-al-Dīn 'Alī (1989), *Osd al-ḡāba fī ma'refat al-ṣaḥāba*, vol. 1, Beirut: Dār al-Fekr.
- Ebn 'Asāker, Abū'l-Qāsem 'Alī b. Ḥasan (1995), *Ta'riḵ madinat Demašq*, ed. 'Alī Širi, vol.14, Beirut: Dār al-Fekr.
- Ebn A'ṯam, Abū Moḥammad Aḥmad (1986), *al-Fotuḥ*, vol. 3, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiya.
- Ebn Ḥajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī (n.d.)offset az čāp first,1910), *al-Eṣāba fī tamyiz al-ṣaḥāba*, vol. 1, Beirut: Dār Eḥyā al-Torāṯ al-'Arabī.
- Ebn Kaṯīr, 'Eemād al-Dīn Esmā'il (1993), *al-Bedāya wa'l-nehāya*, vol.8, Beirut: Dār Eḥyā al-Torāṯ al-'Arabī.
- Ebn Nama, Najm al-Dīn Ja'far (1900), *Maṯīr al-Aḥzān*, n.p., s.n.
- Ebn Ṣabbāḡ, 'Alī b. Moḥammad (n.d.), *al-Fuṣūl al-mohemma fī ma'refat al-aḥwāl al-a'emma*, Najaf: Maktaba Dār al-Kotob al-Tejārīe.
- Ebn Sa'd, Abū 'Abd-Allāh Moḥammad (1990), *al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, ed. Moḥammad 'Abd-al-Qāder 'Aṭā, vol. 5, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiya.
- Ebn Šahrāšūb, Abū Ja'far Moḥammad b. 'Alī (n.d.), *Manāqeb āl Abī Ṭāleb*, ed. Sayyed Hāšem Rasūlī Maḥallātī, vol. 2-4, Qom: Entešārāt 'Allāma.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

- Erbelī, 'Alī b. 'Īsā (n.d.), *Kašf al-ḡomma fī ma'refat al-a'emma*, ed. Āqā Sayyed Ebrāhīm Miyānji, vol. 2, (N.P.): Našr Adab al-ḥawza.
- Eṣfahāni, Abu'l-Faraj 'Alī b. al-Ḥosayn (n.d.), *Maqātel al-Ṭālebiyin*, ed. Sayyed Aḥmad Ṣaqr, Beirut: Dār Al- ma'refat.
- Gorūh Ḥadiṯ Pažūheškada Bāqer al-'Olūm (2007), *Maqtal Imam Ḥosayn (A.S.)*, tr. Javad Moḥadeṯī, Tehran: Šerkat-e čāp WA našr-e beyn al-melal.
- Ḥerz al-Dīn, 'Abd al-Razzāq b. Moḥammad Ḥosayn (2010), *Maqtal al-Ḥosayn men amāli al-ssydyn*, Qom: Dalīl-e Mā.
- Ḵhārazmī, al-Mowaffaq b. Aḥmad (1948), *Maqtal al-Ḥosayn*, ed. Moḥammad Ṭāher al-Samāvi, vol.1-2, Najaf: Maṭba'a al-Zahrā'.
- Majlesī, Moḥammad Bāqer (1980), *Beḥār al-anwār*, vol. 44-45-46-101, Tehran: al-Maṭba'a al-Eslāmiya.
- Maqdesī, Moṭahhar b. Ṭāher (n.d.) offset az čāp paris 1899), *al-Bad' wa'l-ta'rīḵ, ed*. and tr. Clément Huart, Vol.6, Beirut: Dar Sader.
- Mas'udi, Abu'l-Ḥasan 'Ali b. al-Ḥosayn (1989), *Moruj al-ḏahab wa ma'āden al-jawhar*, ed. As'ad Dāḡer, Vol.3, Qom: Dār al-Hejra.
- Mas'udi, Abu'l-Ḥasan 'Ali b. al-Ḥosayn (1996), *Eṯbāt al-waṣīya le-Emām 'Alī b. Abī Ṭāleb*, Qom: al- Ṣadr.
- Meskawayh Rāzī, Abu 'Alī (۱۹۸۷), *Tajāreb al-omam wa ta'āqeb al-hemam*, ed. Abu'l-Qāsem Imamī, Vol.2, Tehran: Dār Soruš le-ṭabā'a wa al-Našr.
- Mofīd, Moḥammad b. Moḥammad b. No'mān (n.d.), *Al-Eršād*, Qom: Maktaba Baṣiratī.
- Moḥammadī Rī Šahrī, Moḥammad (2015), *Dānešnāma-ye Emām Ḥosayn (A.S.) bar pāia Qorān, Ḥadiṯ wa Ta'riḵ*, vol.6-1, Qom: Dār al-Ḥadiṯ.
- Motahhari, Mortaza (1996), *Ḥemāsa Ḥosaynī*, Tehran: Ṣadrā.
- Nuri, Ḥosayn b. Moḥammad Taqi (n.d.), *Lo'lo' wa marjān dar ādāb ahl menbar*, Tehran: 'Aābedī.
- Pīšvāyi, Maḥdi (2011), *Ta'riḵ qīām wa maqtal jāme' sayyed-al-šohadā (A.S.)*, vol.2, Qom: Mo'assesa-ye āmuzeši wa pažuheši-e Emām Ḵomayni.
- Qomī, Šeyḵ 'Abbās (1987), *Montahi al-Amal*, vol.1, Qom: Entešārāt hejrat.
- Samāvi, Šeyḵ Moḥammad b. Ṭāher (1999), *Abṣār al-'Eyn fī Anṣār al-Ḥosayn*, ed.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

Šeyḵ Moḥammad a'far al-Ṭabasī, (n.p.), Markaz-e al-Derāsāt al-Eslāmīya le-Ḥaras al-Ṭūra.
- Sayyed b. Ṭā'ūs (1986), *al-Lohūf 'alā qatlā al-ṭofūf*, Tehran: Entešārāt ahān.
- Ṭabari, Abu Ja'far Muḥammad b. Jarir (1971), *Ta'riḵ al-rosul wa'l-moluk*, ed. Moḥammad Abu'l-Faẓl Ebrāhīm, vol. 5, Cairo: Dār al-Ma'āref.
- Ṭabarsī, Amīn al-Eslām (1960), *E'lām al-warā be-a'lām al-hodā*, Tehran: al-Makteba al-'Elmiya al-Eslāmiya.
- Ya'qubi, Aḥmad b. Abi Ya'qub (n.d.), *Ta'rikò al-ya'qubi*, vol. 2, Beirut: Dar Sader.
- Yaqūt Ḥamawī, Šahāb-al-Din Abū 'Abd-Allāh (1995), *Mo'ǰam al-Boldān*, vol.2-4, Beirut: Dar Sader.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]